

مارکسیسم از مکاتبی است که در دوره معاصر، فضای سیاسی ایران را متأثر ساخته است. این جریان نیز همچون جریان سلطنت‌طلب از حمایت بیگانگان برخوردار بوده است. بیشترین تأثیر مارکسیست‌ها در عصر اشغال ایران پس از جنگ دوم جهانی بود. در این زمان آنان با حمایت دولت شوروی فعالیت‌های خود را گستراندد و با شعار خدمت به خلق، با بیگانگان متحد شدند و دست دشمنان ملت ایران را فشردند.

■ **تعریف**

جریان مارکسیستی، از نظر ایدئولوژیک در افکار «کارل مارکس» و «فریدریش انگلس» آلمانی ریشه دارد. این‌س جریان با حمایت از کارگران، به هیچ روی نظام سرمایه‌داری را برنمی‌تابد و بر بنیان مادی‌نگرایِ و الحاد استوار شده است. جریان مارکسیستی پس از ورود به ایران هم‌زمان با انقلاب مشروطه تحت عنوان ۲ شاخه چپ قدیم و چپ جدید مارکسیستی با تأسیس احزاب و سازمان‌های خاص خود، در تحولات سیاسی -اجتماعی ایران بویژه پس از شهریور ۱۳۲۰ش نقش پیدا کرد. می‌توان گفت هدف این جریان تزویج افکار مارکسیستی و استقرار رژیم سوسیالیستی در ایران بوده است.

■ **تاریخچه**

خاستگاه جریان مارکسیستی، اروپای غربی بویژه آلمان و انگلیس است. مارکسیسم در واکنش به ستمگری‌های نظام سرمایه‌داری و لیبرالیزم کلاسیک حاکم بر قرن ۱۹ اروپا پدید آمد. شکلاف طبقاتی و فقر وحشتناک مردم- که پیامد لیبرالیسم کلاسیک بود- برخی را به این نتیجه رساند که راه نجات مردم، نابودی نظام سرمایه‌داری است. این کسان - که به راه‌حل‌های جمع‌گرایانه و توجه به کارگران و تهیدستان معتقد بودند- «سوسیالیست» نام گرفتند. از مهم‌ترین اندیشمندان سوسیالیست، کارل مارکس آلمانی است. او فرزند یک وکیل دعایوی یهودی‌لاصل و شاکرد «هگل» بود. مجموعه افکار مارکس را همفکر او انگلس، مارکسیسم نامید. این اندیشه‌ها سپس به وسیله شاگردان آنها گسترش یافته، دچار اشعاب‌های فراوان به قرار زبر شد.

۱- **مارکسیسم-لنینیسم**

این شاخه را لنین رهبر انقلاب شوروی پدید آورد که برخلاف مارکس برای ایجاد انقلاب سوسیالیستی منظر تاریخ نمآند، بلکه به توطئه‌گری و تصرف قدرت سیاسی از طریق ایجاد حزب پیشتاز مرکب از روشنفکران انقلابی اعتقاد داشت.

۲- **مارکسیسم-مائوئیسم**

این شاخه از لنینیسم جدا شده و رهبر حزب کمونیست چین اطلاق می‌شود. مائو با توجه به جامعه چین به جای تکیه بر طبقه پرولناریا با کارگر صنعتی - که مورد توجه مارکس بود- به طبقه دهقان توجه داشت. مارکس دهقانان را از تجاعی می‌دانست، اما مائو آنها را انقلابی می‌انگاشت. «مائوئیسم» به عنوان «مارکسیسم چینی» نیز معروف است.

۳- **چپ نو**

جریانی بود که در دهه ۱۹۷۰ م در اروپای غربی، آمریکای شمالی، برخی کشورهای آمریکای لاتین و آسیایی از جمله ایران در بین دانشجویان و روشنفکران هواخواهانی پیدا کرد. چپ نو واکنشی بود در قبال سرسپردگی و وابستگی احزاب کمونیستی قدیمی یا چپ قدیم به روسیه. این جریان اگرچه با فساد دنیای سرمایه‌داری مخالف بود اما به دلیل گرایش ضدشوروی مورد توجه سازمان‌های اطلاعاتی غرب قرار گرفت.

۴- **اروکومونیزم یا کمونیزم اروپایی**

«سوتایگو کاریلو» دبیر کل حزب کمونیست اسپانیا در دهه ۱۹۸۰- ۱۹۷۰م، جریانی را بنیان نهاد که هدف آن استقلال از رهبری مسکو، کنار گذاشتن تز دیکتاتوری پرولتاریا و نظام تک‌حزبی سوسیالیستی بود. هواخواهان این جریان، به انقلاب سوسیالیستی نیز معتقد نبودند و مشارکت در نظام دموکراسی چندحزبی غربی را پذیرفته بودند و به جای انقلاب به فرم اعتقاد داشتند.

۵- **گورباچیفیسم**

واپسین و مهم‌ترین ضربه بر بنیاد مارکسیسم را «میخائیل گورباچف» وارد کرد. او بر مارکسیسم خط بطلان کشید و سیاست‌هایش را تحت عنوان «جزم‌ندیشی و ذهنی‌گرایی» محکوم کرد. گورباچف با اعلام سیاست «گلاس نوست»، واژهای روسی به معنای ایستای باز سیاسی و وحشتناکی دارد که سرانجام جامعه بازسازی اقتصادی، کوشید از فروپاشی شوروی جلوگیری کند؛ اما نتوانست و اتحاد جماهیر شوروی پس از ۷۰سال حاکمیت کمونیسم فروپاشید. حضرت امام خمینی پیش از آن، در نامه‌ای به گورباچف، شکست مارکسیسم را نوید داده و بسا بیان اینکه مشکل اصلی کشور شما مالکیت اقتصاد و آزادی نیست، بلکه عدم اعتقاد به خدا است، او را از پناه بردن به دنیای غرب بر حذر داشته بودند. با این حال، گورباچف نتوانست معنای ژرف این پیام را دریابد. امام خمینی(ره) با بیان مشکلات بنیادین مارکسیسم، پیش‌بینی کرده بودند:

«بر همه روشن است از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جست‌وجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوایگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به درآورد.»

■ **مبانی فکری**

مبانی فکری جریان مارکسیستی به طور خلاصه به قرار زیر است.

■ **ماتریالیسم‌دیالکتیک**



جریان‌های مارکسیستی در ایران معاصر

چپ‌شناسیِ وطنی

- آیت مظلری



است. بعضی از این گروه‌ها عبارتند از: سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (شاخه حسین زهری)، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (شاخه مهدی سامع)، سازمان فداییان (اقلیت)، چریک‌های فدایی خلق ایران (شاخه‌اشرف دهقانی) و سازمان اتحاد فداییان کمونیست.

■ **سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر**

این گروه پس از پیروزی انقلاب از افراد انشعابی سازمان مجاهدین خلق امنافقینا پس از تغییر مواضع ایدئولوژیک و پذیرفتن مارکسیسم با همراهی گروه‌های مائوئیستی تشکیل شدو بااقدامات مسلحانه ناچیز خود به مبارزه با نظام جمهوری اسلامی پرداخت، اما جز شکست نتیجه‌ای نگرفت.

■ **حزب دموکرات کردستان ایران**

این حزب در سال ۱۳۳۴هنگام اشغال ایران به دست متفقین، با حمایت مستقیم دولت شوروی بنیان نهاده شد. رهبری حزب را «قاضی محمد حضیری» بر عهده‌داشت. حزب‌افزون بر گرایش‌های سوسیالیستی، از گرایش ناسیونالیسم قومی نیز برخوردار بود. اعضای حزب با پشتیبانی شوروی در حالی که قاضی محمد لباس نظامی روسی به تن داشت دولت خودمختار کردستان را به مرکزیت مهلباد پدید آوردند که ۱۱ ماه بیشتر دوام نیاورد و قاضی محمد اعدام شد. هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی این حزب فعال شد و با سوءاستفاده از ضعف دولت موقت بازارگان با تصرف برخی پادگان‌ها و غارت سلاح موقعیت خود را در بخش‌هایی از کردستان تحکیم بخشید. رهبری حزب پس از انقلاب با «عبدالرحمن قاسملو» بود که سال ۶۸ در وین (اتریش) و پس از او «صادق شرف‌قندی» در سال ۷۱ در آلمان به قتل رسیدند. این حزب نیز در کارنامه خود مزدوری و وابستگی به شوروی، اقدامات جدایی‌طلبانه تحت عنوان خودمختاری کردستان و وابستگی به دولت بعثی عراق، آمریکاوصهیونیزم علیه منافع ملی و نظام جمهوری اسلامی را به ثبت رسانده است و هنوز هم کمابیش به فعالیت‌های تخریبی خود ادامه می‌دهد. هم‌اکنون حزب دموکرات به ۲ جناح طرقدار «عبدالله حسن‌زاده» و «مصطفی هجری» تقسیم شده است.

■ **کومله**

این گروه با عنوان حزب (سازمان) زحمتکشان کردستان مشهور به کومله در منطقه کردستان فعال بوده است. اعضای حزب مدعی‌اند به سال ۱۳۴۸ آن را بنیان نهاده‌اند اما سال ۱۳۵۷ با شعار دفاع از دهقانان اعلام موجودیت کرده‌اند، کومله علاوه بر گرایش‌های مارکسیستی، مائوئیستی، از ناسیونالیزم کرد دفاع می‌کند و کارنامه‌اش در باب وابستگی به بیگانگان و ضدیت با منافع ملی همچون حزب دموکرات است. این‌س گروه با حمایت دولت بعثی عراق و سلاح‌هایی که از پادگان‌های منطقه غارت کرده بود، به جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی پرداخت اما با گسترش اقتدار جمهوری اسلامی در معرض اضمحلال قرار گرفت. دبیر کل این حزب «صالح‌الدین مهدتی» است. این حزب با استقرار در کردستان عراق گاهی به اقدامات کم‌جان علیه جمهوری اسلامی دست می‌زند.

■ **پژاک**

حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک شاخه‌ای از حزب کارگران کردستان ترکیه PKK است که در کنگره نهم پ‌ک‌ک در تاریخ ۴ آبان ۸۲ در محلی به نام قرار گاه هارون در خاک عراق با حضور تعدادی از افراد آمریکایی و انگلیسی این حزب تأسیس شد. توضیح اینکه پس از دستگیری و زندانی شدن «عبدالله اوجلان» رهبر کردهای شورشی ترکیه، در کنگره هشتم حزب کارگران کردستان ترکیه به تاریخ ۱۶ فروردین ۸۱ مقرر شد حزب پ‌ک‌ک علاوه بر ترکیه در ایران، عراق و سوریه نیز شعبه‌هایی داشته و فعالیت کند. بر این اساس پس از تأسیس پژاک در کنگره نهم قلمرو فعالیت آن مناطق کردنشین ایران قرار گرفت. دبیر کل پژاک «رحمان حاجی احمدی» نام دارد که عضو شورای پ‌ک‌ک و از عناصر قدیمی حزب دموکرات کردستان است. بعضی از اعضای پژاک نیز

همان نیروهای حزب دموکرات کردستان هستند که به آن پیوسته‌اند. با آنکه پژاک شاخه ایرانی «کنگره خلق کردستان» است که با حمایت آمریکا جهت فشار بر ایران، ترکیه، عراق و سوریه تشکیل شده است، بسیاری از اعضای آن ایرانی نبوده و اهل ترکیه و سوریه‌اند. این گروه تلاش می‌کند تعداد زیادی از زنان را به تشکیلیات خود جذب کند. پژاک با آنکه به لحاظ ایدئولوژیک گرایشات مارکسیستی و قومی دارد، هم‌اکنون- در شرایط اشغال عراق توسط آمریکا (پس از سقوط صدام)- تحت حمایت آمریکا و اسرائیل به اقدامات ایذایی و حرکت‌های تروریستی علیه نظام جمهوری اسلامی و مردم مسلمان کرد دست می‌زند. کارشناسان و ژنرال‌های آمریکایی در مقرهای این حزب حضور یافته و آموزش‌ها و دستورالعمل‌های لازم را به آنان ارائه می‌کنند. «عثمان اوجلان» برادر عبدالله اوجلان در مصاحبه با روزنامه «شرق‌الوسط» اعلام کرد اسرائیل به پژاک کمک می‌کند و آنان با سلاح‌های آمریکایی علیه کشورهای منطقه به فعالیت‌های تروریستی ادامه می‌دهند. واپسین سخن اینکه جریان مارکسیستی به دلیل وابستگی به دولت شوروی و دیگر قدرت‌های بیگانه، فقان درک درست از یافت ایدئولوژیک مردم ایران و دست زدن به اقدامات غیرعقلایی، عجولانه و عاطفی همچون مبارزه مسلحانه بدون ارزیابی و سنجش امکانات، هیچ‌گاه نتوانست بین توده‌های مردم جایگاهی پیدا کند و به دلیل همکاری با بیگانگان در نتیجه به کشور خیانت کرده است.

منبع: **جریان شناسی سیاسی ایران معاصر، انتشارات زمزم‌هدایت**

اشاره

روایت سلحشور

از هنر مسجد جوادالائمه(ع)

ما اوایل انقلاب این‌ موضوع را به وضوح فهمیدیم، سینمایی که از زمان شاه به ما به ارث رسیده متعلق به ما نیست؛ سینمایی است که فرهنگ منحنط و مبتذل غرب را در جان جامعه ما جاری می‌کند و علت اینکه مردم سینما را آتش زند عدولت آنها با این میراث ناخواسته بود چرا که این سینما با اعتقادات مردم در تضاد بود. خود ما هم از همین مردم بودیم و خوشبختانه از نوع مسجدی و هبثاتی آن که از ۹ سالگی پای رحل و منبر بزرگ شده بودیم؛ و می‌فهمیدیم این سینمایی که هالیوود به کشور ما صادر کرده است از آن ما نیست، لذا حوزه اندیشه و هنر اسلامی را تشکیل دادیم برای اینکه به یک هنر مذهبی در ابعاد مختلف دست پیدا کنیم. بنده، آقای رخصت، آقای بابایی ا مدرسه عالی شهید مطهری، آقای بروجردی- برادر آقای بروجردی نماینده مجلس- خانم ثقفی، عبداللّهی شلمسی، امیر فردی و چند تن دیگر که حوزه اندیشه و هنر را تشکیل دادیم. قبل از انقلاب محل فعالیت‌های فرهنگی ما مساجد بود. درس دادن، روخوانی قرآن به کودکان و نوجوانان، جلسات روخوانی نهج‌البلاغه، قصه‌خوانی، کلمه، کتابخوانی و… از جمله فعالیت‌های ما در مسجد جوادالائمه(ع)، مسجد حضرت علی‌اکبر(ع) و چند مسجد دیگر بود. در آن زمان نمایشی با عنوان «حجر بن عدی» برای مردم اجرا کردند، ما به تأثیر فوق‌العاده زیاد نمایش بر مردم پی بردیم و دیدیم اجرای نمایشنامه وسیله خوبی برای فهماندن مطالب مذهبی به مردم و تهییج آنها در راستای انقلاب است. قبل از این اتفاق، نمایش، فیلم و تئاتر را مخالف آموزه‌های دینی خود می‌دانستم و همیشه فکر می‌کردم فساد موجود در سینما و تلویزیون آفتدر فراوان است که بجه‌مسلمان‌ها نباید به این حریم نزدیک شوند. ولی وقتی این تأثیر را دیدم، تشویق به اجرای نمایش ادم و در کار بعدی در نقش «حر» در نمایش «حر بن یزید ریاحی» بازی کردم ولی در همان نمایش روی صحنه که بودیم، ساواکی‌ها آمدند و نمایش را برهم زدند و نگذاشتند اجرای ما تمام شود، ما قبل از انقلاب نتوانستیم حتی یک اجرای کامل داشته باشیم. این مسجیدجوادالائمه(ع) یکی از بابرکت‌ترین مساجد ایران و محور مساجد اطراف خود و به نوعی مسجد مادر است. کتابخانه و فعالیت‌های فرهنگی آن بسیار عالی است. بسیاری از جوانان این مسجد از مسؤولان کشور شدند. تعداد شهدای این مسجد از همه مساجد بیشتر است. هنوز هم جوانان این مسجد در عرصه انقلاب و فرهنگ با فعالیت هستند. امام جماعت این مسجد فرد بسیار فرهیخته و خوبی بود و به جوان‌ها میدان می‌داد. از آن مهم‌تر این بود که مسجیدی فعال بود و فقط در آن نماز خوانده نمی‌شد، از زمانی که ما در آنجا کتابخانه داشتیم و فعالیت‌هایی مثل قصه گفتن و دکلمه بردن، با خواندن و بجه‌های مساجد را به اردو بردن، از برنامه‌های مسجد بود که مسجدهای دیگر متداول نبود. این فعالیت‌های اضافه بر مسائل عبادی، آن را تبدیل به یک پایگاه قوی کرد و این مسجد صندوق قرض‌الحسنه هم داشت. دشمن دید که مسجد پایگاه ماست و امام مسجد به بارها بر فعال بودن مسجد تاکید داشتند؛ مساجد را برکنند، مساجد را فعال کنند، مساجد سنگر هستند از فرمایشات امام درباره مساجد بود. اینها را دشمنان خوب فهمیدند اما مسؤولان ما نفهمیدند، به معنای تام و تمام نفهمیدند، یکسری از مسؤولان خائن بودند و هدفشان مبارزه با مسجد بود و برای اینکه بتوانند با مسجد مبارزه کنند، باید در آنجا فعالیت‌های زمان شاه را رد قالب فرهنگسراها احیا کردند. اینها به مسجد خیانت کردند. ضربه‌ای که بنیانگذاران کلاه‌خای جوانان و فرهنگسراها به مسجد و انقلاب زدند، هیچکس نزد در فرهنگسراها جذابیت‌هایی مثل رقص، موسیقی، تئاتر، فیلم‌سازی، طنز و تیلیارد بوجود آوردند. این فعالیت‌ها نمی‌توانست در مسجد باشد در حالی که اگر فعالیت‌های می‌شد مساجد را فعال کنند، می‌توانستند. ما همان زمان در مساجد اجرای تئاتر، قصه‌نویسی، خطاطی، طراحی، گرافیک و… را داشتیم. حتی الان در مساجد به‌راحتی می‌توان فیلم‌سازی مستندسازی کرد. تمام کارهای کانون‌های فرهنگی منهای رقص، آواز و موسیقی در مساجد نیز قابل اجراست، بنابراین آمدند کانون‌های مجزایی درست کردند و مسؤولیت فرهنگسراها را عبدالله اوجلان در مصاحبه با روزنامه «شرق‌الوسط» اعلام کرد اسرائیل به پژاک کمک می‌کند و آنان با سلاح‌های آمریکایی علیه کشورهای منطقه به فعالیت‌های تروریستی ادامه می‌دهند. واپسین سخن اینکه جریان مارکسیستی به دلیل وابستگی به دولت شوروی و دیگر قدرت‌های بیگانه، فقان درک درست از یافت ایدئولوژیک مردم ایران و دست زدن به اقدامات غیرعقلایی، عجولانه و عاطفی همچون مبارزه مسلحانه بدون ارزیابی و سنجش امکانات، هیچ‌گاه نتوانست بین توده‌های مردم جایگاهی پیدا کند و به دلیل همکاری با بیگانگان در نتیجه به کشور خیانت کرده است.

منبع: **جریان شناسی سیاسی ایران معاصر، انتشارات زمزم‌هدایت**

بخشی از گفت‌وگوی زنده‌یاد فریدالله سلحشور

با «وطن امروز»